مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)



حضرت فاطمه سلام الله علیها



ویژه نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت فاطمه علیها السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حضرت فاطمه سلام الله علیها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : حضرت فاطمه علیها السلام/تالیف واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۵ مشخصات ظاهری : ۲۳ص. فروست : مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام؛ ۳ شابک : ۹۶۴۹۷۳۰۵۳۲: وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۷۷۲۴۵

حضرت فاطمه

نام: فاطمه علیها السلام

لقب های معروف: زهرا علیها السلام، صدیقه کبری

طاهره، راضیه، مرضیه، انسیه، بتول و ...

کنیه: ام ابیها

نام پدر: محمّد صلی الله علیه وآله وسلم نام مادر: خدیجه علیها السلام تاریخ ولادت: ۲۰ جمادی الثانی، ۵ سال بعد از بعثت

محل ولادت: مکّه مدت عمر: ۱۸ سال تاریخ شهادت: سوم جمادی الثانی

یا ۱۳ جمادی الثانی سال یازده هق مرقد: محل خاکسپاری حضرت زهرا علیها السلام ناپیداست در یکی از سه محل ۱- کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وآله ۲- قبرستان بقیع ۳- بین منبر و قبر پیامبر صلی الله علیه وآله در مسجد النبی، زیارت می شود

امام صادق علیه السلام می گوید: خداوند به پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما؛ اگر تو (ای محمّد) نبودی، موجودات را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را نمی آفریدم».

مونس مادر

در آن هنگام که خدیجه به خاطر ازدواج با رسول خداصلی الله علیه وآله تنها مانده بود و زنان مکّه از او کناره گیری می کردند، خداوند فرزندی پربرکت (حضرت فاطمه علیها السلام) را به او عطا فرمود تا روشنی چشم آن ها و افتخار بشریت و زنان عالم باشد.

فاطمه که در شکم مادر بود، غم های مادر را حس می کرد، لذا با وی سخن می گفت و او را در برابر مشکلات دلداری می داد.

پیـامبر در این زمـان به حضـرت خـدیجه بشارت داد که :«ای خـدیجه! اینک جبرئیل مرا مژده داد که این طفل، پاک و مبارک است و فرزندان او پیشوایان مردم اند و پس از من خلیفه خدا در روی زمین خواهند بود».

کم کم، زمین

خودش را آماده قـدم های مبارک بانوی دو عالم می نمود. حضـرت خـدیجه که تولد طفلش را نزدیک می دید، از زنان اقوام کمک خواست تا به هنگام ولادت فرزنـدش او را کمک کننـد، امّا آن ها که پیامبری همسـرش را نپـذیرفته بودند، دعوتش را قبول نکردنـد. در همین هنگام چهار بانوی خوش قامت، نزد حضـرت خـدیجه علیها السـلام رسـیده و به او گفتند: ای خدیجه! پروردگـار، مـا را به کمک تو فرسـتاده و ما خواهران تو هستیم. آن چهار بانو: مریم دختر عمران، ساره همسـر حضـرت ابراهیم علیه السلام، آسیه همسر فرعون و کلثوم خواهر حضرت موسی علیهم السلام بودند.

وقتی حضـرت فاطمه به دنیا آمـد، نوری از او درخشـید که همه جا را فرا گرفت. آن گاه ده تن از حوریان بهشتی با تَشت های پر از آب کوثر وارد شدنـد. یکی از آن ها نوزاد را شـست و در پارچه ای سـفید و خوش بو پیچیـد و از او خواست که سـخنی بگوید.

حضـرت فاطمه زبان گشود و گفت: گواهی می دهم که معبودی جز خـدای یکتا نیست و پـدرم رسول خدا، برترین پیامبران و همسرم سرور جانشین پیامبران و فرزندانم، سرور نوادگان می باشند.

حضرت فاطمه علیها السلام شریک غم و همدرد رنج های پدر

حضـرت فـاطمه علیها السـلام در حالی که دوران کودکی را می گذرانیـد، یاری غمخوار و نوازشـگری مهربان برای پـدر بود. رنـج های پـدر را از نزدیک می دید و برای پدر دعا می کرد. پنج ساله بود که با رحلت جانسوز مادرش خدیجه روبه رو شد. حضـرت فـاطمه حـدود سه سال همراه مادر و پـدرش در شـعب ابی طالب در محاصـره مشـرکان بود، و سـختی و گرسـنگی و گرمای سوزان و رنج های آن سه سال را از نزدیک دید و چشید و در رنج ها بزرگ

شد.

در یکی از روزها که حضرت فاطمه علیه السلام در کنار کعبه بود، چشمش به گروهی از مشرکان افتاد که در کنار کعبه اجتماع کرده بودند. هوشمندانه کنجکاوی کرد تا بداند آن ها برای چه در آنجا جمع شده اند، دریافت که آن ها با هم به سه بُت «لات، عُزّی و منات» پیمان می بندند تا دسته جمعی به پیامبر صلی الله علیه وآله حمله کنند و او را بکشند.

حضرت فاطمه با شتاب نزد پدر آمد، و در حالی که اشک می ریخت توطئه مشرکان را به آن حضرت گزارش داد. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: دختر عزیزم، آب حاضر کن تا وضو بگیرم. حضرت فاطمه علیها السلام آب حاضر کرد و پیامبر صلی الله علیه وآله وضو گرفت و سپس به سوی مسجد، کنار کعبه حرکت کرد. وقتی که مشرکان آن حضرت را دیدند، گفتند: این محمّد است که می آید. آن ها با دیدن اُبهّت و چهره نورانی پیامبر صلی الله علیه وآله آن چنان سر در گریبان فرو برده و درمانده شدند که هیچ یک از آن ها جرأت کاری بر ضدّ پیامبر صلی الله علیه وآله پیدا نکردند.

الگوی انفاق

فاطمه علیها السلام یگانه دختر پیامبر، نه ساله شده بود.خواستگاران زیادی از یاران پیامبر و بزرگان عرب داشت؛ امّا خداوند حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام را برای هم قرار داده بود.

ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام نزدیک می شد. پیامبر صلی الله علیه وآله در عروسی دخترش زهرا علیها السلام یک دست پیراهن نو به ایشان داده بود تا در شب عروسی بپوشد. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام می خواست به خانه همسرش برود

بر سجّاده عبادت خود نشسته بود و با خدا مناجات می کرد. مستمندی به درب خانه حضرت فاطمه آمد و با صدای بلند گفت: از خانه نبوّت یک پیراهن کهنه می خواهم.

حضرت فاطمه در آن وقت دو پیراهن داشت، یکی کهنه و دیگری نو. خواست پیراهن کهنه را طبق تقاضای فقیر به او بدهد، ناگهان به یاد این آیه افتاد که می فرماید: «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید مگر آنچه را دوست دارید انفاق کنید».

حضرت زهراعلیها السلام با این که پیراهن نو را بیشتر دوست می داشت به این آیه عمل کرد و پیراهن نو را به فقیر داد.

فردای آن شب، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله پیراهن کهنه را در تن او دید، پرسید: چرا پیراهن نو را نپوشیده ای؟ حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: آن را به فقیر دادم.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: اگر پیراهن نو را برای همسرت می پوشیدی بهتر و مناسب تر نبود؟

حضرت فاطمه گفت: این روش را از شما آموخته ام. در آن هنگام که مادرم خدیجه همسر شما گردید، همه اموال خود را در راه خدا به تهی دستان بخشید، کار به جایی رسید که فقیری به در خانه شما آمد و تقاضای لباس کرد و در خانه لباسی وجود نداشت، شما پیراهن خود را از تن بیرون آوردید و به او دادید، از این رو این آیه نازل شد: «و بیش از حدّ انفاق نکن تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرو مانی».

پیامبر صلی الله علیه وآله که تحت تأثیر محبّت ها و خلوص دخترش زهرا علیها السلام قرار گرفته بود، قطره ای اشک از چشمانش سرازیر شد و حضرت فاطمه را به

نشانه محبت، به سینه اش چسباند.

تقسیم کار حضرت زهرا علیها السلام با فضّه خادمه

حضرت زهرا علیها السلام کارهای خانه را طبق دستور رسول خدا صلی الله علیه وآله به طور عادلانه بین خود و خادمه اش «فضّه» تقسیم کرد. یک روز حضرت فاطمه به امور خانه رسیدگی می کرد، و روز دیگر فضّه. روزی سلمان دید حضرت زهرا علیها السلام با آسیای دستی، مشغول آرد نمودن جو است. و حسین را که شیرخوار و در حال گریه بود در بغل داشت. سلمان عرض کرد: ای دختر رسول خدا! فضّه که به عنوان خدمتکار در خدمت شماست چرا از او کمک نمی گیری؟ حضرت فاطمه در پاسخ گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله به من سفارش کرد که یک روز او کار کند، یک روز من. دیروز نوبت او بود و امروز نوبت من است.

عبادت حضرت زهراعلیها السلام

امام حسن علیه السلام می فرمایند: شب جمعه مادرم را دیدم که از بستر برخاست و به نماز ایستاد و همچنان به نماز ادامه داد تا سپیده سحر پیدا شد. به دعاهای او گوش کردم، نام زنان و مردان با ایمان را به زبان می آورد و برای آن ها بسیار دعا می کرد ولی یک بار برای خود دعا نکرد.

عرض کردم: مادر! چرا برای خودت هیچ دعا نکردی، آن گونه که برای دیگران دعا کردی؟

مادرم فرمود: پسرم! اوّل همسایه، بعد خانه.

حضرت فاطمه علیها السلام می فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که در روز جمعه، ساعتی وجود دارد که هرگاه مسلمانی در آن ساعت دعا کند خداوند دعایش را قبول می کند و آن هنگامی است که قرص خورشید تا نیمه غروب کرده باشد. و حضرت در آن ساعت به راز و نیاز می پرداخت.

تلاش های حضرت زهراعلیها السلام در پشت جبهه

برای زنان، جهاد و جنگ ابتدایی با دشمن روا نیست ولی بر آنان لازم است که پشتیبان رزمندگان باشند و در پشت جبهه، کارهای مقدماتی و درمان و سایر نیازهای آنان را بر عهده بگیرند. و یاور خوبی برای رزم آوران سپاه اسلام باشند.

حضرت زهرا علیه السلام در این خصوص نیز تلاش و حضور ثمر بخشی داشت و پشتوانه ای توانمند برای جبهه اسلام بود. به عنوان نمونه:

۱- در جنگ اُحد که در سال سوم هجرت رخ داد، حضرت فاطمه علیها السلام ده سال بیشتر نداشت، پس از پایان جنگ از مدینه بیرون آمد و خود را به جبهه احد که در یک فرسخی مدینه قرار داشت رسانید. نزد پدر رفت و شوهرش علی علیه السلام را دید که چهره خون آلود پیامبر صلی الله علیه

وآله را شستشو می دهد، فاطمه وقتی که حال پدر را دید گریه کرد و پدر را بوسید، دید جریان خون از چهره پدر قطع نمی شود، قطعه حصیری را سوزانید و خاکستر آن را بر جای زخم چهره پدر ریخت، در این هنگام خون بند آمد.

۲- در ماجرای جنگ خندق که در سال پنجم هجرت رخ داد مسلمانان به کندن خندق اشتغال داشتند. شخص پیامبر نیز کمک می کرد. کمبود غذا باعث شد که گاهی مسلمانان از جمله پیامبر صلی الله علیه وآله سه روز گرسنه می ماندند، فاطمه اندکی نان تهیه کرد و خود را به حضور پیامبر صلی الله علیه وآله رسانید و عرض کرد: این مقدار نان، قسمتی از نانی است که برای فرزندانم پخته بودم و این قسمت را برای شما آورده ام. پیامبر صلی الله علیه وآله نان را گرفت و فرمود: فاطمه جان، این تکه نان نخستین لقمه ای است که پدرت پس از سه روز گرسنگی ،به دهانش می گذارد.

توجّه حضرت زهرا علیها السلام به مسأله حجاب

یکی از راه هایی که موجب سعادت زنان خواهد شد مسأله حجاب است. حجاب که یک دستور الهی است باعث می شود تا محیط اجتماع و خانه، آرام، و باعث گرمی کانون خانواده گردد و از به هم ریختن محیط گرم خانه جلوگیری کند.

حضرت زهرا علیها السلام به مسأله حجاب بسیار اهمیت می داد؛ هرگز مو و بدن او را نامحرم ندید؛ با این که در صحنه ها حضور داشتند هرگز از حریم مقدّس حجاب و پوشش صحیح اسلامی خارج نشد.

روزی پیامبر از او پرسید: برای زن چه چیز برترین کار است؟ حضرت فاطمه پاسخ داد: نه او مرد بیگانه ای را ببیند و نه این که مرد بیگانه ای او را

ببیند. پیامبر به نشانه تصدیق، او را به سینه اش چسبانید.

روزی مرد نابینایی اجازه خواست تا وارد خانه فاطمه گردد، حضرت فاطمه خود را از او پوشانید، پیامبر صلی الله علیه وآله به او فرمود: با این که این مرد نابیناست، چرا خود را پوشاندی؟

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ عرض کرد: اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم، همچنین او بوی من را استشمام می کند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله پاسخ حضرت زهراعلیها السلام را پسندید، و به نشانه تصدیق فرمود: گواهی می دهم که تو پاره وجود من هستی.

گردن بند با برکت

روزی پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم در مسجد نشسته بود و اصحاب به دورش حلقه زده بودند. در این هنگام پیرمردی با لباس های ژولیده و حالتی رقّت بار که ضعف وپیری توانش را زدوده بود، از راه رسید. پیامبر تا چشمش به او افتاد به سویش رفت وجویای حالش شد.

آن مرد پاسخ داد: ای رسول خدا! فقیری پریشان حالم، گرسنه ام، مرا طعام ده، برهنه ام مرا بپوشان، بینوایم گرهی از کارم بگشا.

پیامبر فرمود: اکنون چیزی ندارم ولی «راهنمای خیر، چون انجام دهنده خیر است» سپس او را به منزل حضرت فاطمه راهنمایی کرد. پیرمرد به درب خانه حضرت فاطمه علیه السلام رسید. مشکلاتش را برای حضرت فاطمه علیها السلام بیان کرد. حضرت زهرا فرمود: ما نیز اکنون در خانه چیزی جز یک گردن بند نداریم، سپس گردن بند خود را به پیرمرد فقیر داد و فرمود: این را بفروش ان شاءاللّه مشکلاتت حل شود.

مرد فقیر گردن بند را گرفت و به مسجد آمد و به پیامبر که همچنان در میان اصحاب نشسته بود، عرض کرد: ای پیامبر خدا! فاطمه علیها

السلام این گردن بند را به من احسان نمود تاآن را بفروشم و به مصرف برسانم.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از خوشحالی گریه کرد. عمّاریاسر عرض کرد: یا رسول اللّٰه! آیا اجازه می دهی من این گردن بند را بخرم ؟

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هرکس خریدارش باشد خدا از او راضی باشد. عماریاسر از پیرمرد پرسید: گردن بند را چند می فروشی؟

مرد بینوا پاسخ داد:به غذایی که سیرم کند، لباسی که تنم را بپوشاند ویک دینار توشه راه که مرا به خانه ام برساند.

عمار پاسخ داد: من این گردن بند را به بیست دینار طلا و غذا و لباسی و مرکبی از تو خریدم.عمّار مرد را به خانه برد، او را سیر کرد، لباسی به او پوشاند، او را بر مرکبی سوار کرد و بیست دینار طلا هم به او داد. آن گاه گردن بند را به غلام خود داد و گفت: این را به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم تقدیم کن، خودت را هم به ایشان بخشیدم.

پیامبر نیز غلام وگردن بند را به حضرت فاطمه علیها السلام بخشید. غلام نزد حضرت فاطمه آمد و آن حضرت گردن بند را گرفت وبه غلام فرمود: من نیز تو را در راه خدا آزاد کردم.

غلام خندید. حضرت فاطمه راز خنده اش را پرسید.

غلام پاسخ داد: ای دختر پیامبر! برکت این گردن بند مرا به خنده آورد که گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشاند، فقیری را توانا کرد، پیاده ای را سوار نمود، بنده ای را آزاد کرد و عاقبت هم به صاحب خود برگشت.

ماجرای مباهله

در سال نهم هجری عدّه ای از سران مسیحیان شهر نجران که در ۹۱۰ کیلومتری جنوب شرقی مکه واقع

است، همراه اسقف اعظم شهر برای مذاکره دینی و اعتقادی با رسول خدا به مدینه وارد شدند، آنان پس از بحث های دینی از قبول این حقیقت که عیسی علیه السلام بنده و فرستاده خداست سر باز زدند، زیرا آنان بر این پندار بودند که عیسی علیه السلام فرزند خداست .با این همه در برابر منطق استوار رسول خدا مُهر خاموشی بر لب زدند. فرشته وحی فرود آمد و کلام وحی را رساند؛ که ای محمّد! « هر کس با تو به مجادله برخیزد - پس از آن که دانش (وحی) به تو رسید - بگو بیایید ما و شما، با فرزندان و زنان خود با هم به مباهله برخیزیم (و به درگاه خداوند دعا کنیم) تا دروغگویان را به لعنت خدا (عذاب) گرفتار سازیم».

یعنی به پیامبر امر شد تا آن ها را به مباهله دعوت کند. یعنی هر دو گروه به همراه عزیزترین افرادشان به صحرا بروند و در زمان معین، هر دو گروه به درگاه خداوند نیایش کنند تا خداوند بر آن که دروغگوست عذاب فرستد. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از میان بستگان ویارانش، عزیزترین و پاک ترین آن ها را با خود همراه کرد. آن روز رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم حسین را در آغوش گرفت و دست مبارک حسن را به دست گرفت و به راه افتاد و پشت سرش حضرت علی و حضرت فاطمه علیها السلام به راه افتادند. منظره معنوی و باشکوهی بود. هنگامی که به جایگاه نزدیک شدند، چشم مسیحیان به حالت پر از صفا و معنویت پیامبر و همراهان آن حضرت افتاد. بزرگشان گفت: «چهره هایی را مشاهده می کنم که اگر

به درگاه الهی رو کننـد این بیابان به جهنمی سوزان تبدیل خواهد شد و دامنه عذاب به سـرزمین نجران کشـیده می شود، اینان اگر از خداوند بخواهند کوهی از جا کنده می شود. با اینان مباهله نکنید که هلاك خواهید شد و بیم آن است که مسیحیان به تمامی نابود شوند». بدین ترتیب، تسلیم و به پرداخت جزیه راضی شدند.

دستورات تربیتی

حضرت زهرا علیها السلام هنگام میل نمودن غذا بهترین روش های اخلاقی ،بهداشتی،اجتماعی و...را مراعات می نمود.

مثلاً برای غذا خوردن، دستوراتی را سفارش می کند؛

مواردی که ضروریست که رعایت کنیم:

۱- شناخت این که این نعمت ها چگونه و از طرف چه کسی برای ما فراهم گشته است.

۲- راضی و خشنود بودن به آنچه که از طرف خدا، برای ما فراهم و مقدّر شده است.

۳- گفتن «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» هنگام غذا خوردن.

۴- شکر و سپاس از خداوند در ابتدا و پایان غذا.

مواردی که خوب است هنگام غذا خوردن انجام دهیم:

۱- شستن دست و دهان پیش از غذا.

۲- نشسته غذا بخوریم.

۳- سعی شود از آنچه جلو شخص قرار گرفته است میل نموده و دست جلو دیگران دراز نکنیم.

۴- غذا را کوچک و مناسب برداریم.

۳- غذا را خوب جویده و در بلعیدن آن عجله و شتاب نکنیم.

۴- هنگام خوردن غذا، به صورت و دست و دهان دیگران نگاه نکنیم.

شهادت حضرت زهرا

هجده سال از عمر حضرت فاطمه علیها السلام می گذشت. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تازه از دنیا رفته بود که گروهی دنیا پرست که مدّعی جانشینی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بودند، به در خانه حضرت علی علیه السلام آمدند تا از او برای تأیید خلافت خودشان بیعت بگیرند؛ امّا حضرت که می دانست آن ها هدفشان برای خدا نیست و کاری غیر حقّ را از او می خواهند

درخواست آن ها را نپذیرفتند. آن ها نیز وقتی چنین دیدند تصـمیم گرفتند با زور وارد خانه شوند. حضرت فاطمه علیها السلام به پشت در آمد و آن ها را از این کار منع کرد امّا آن ها نه تنها به حرفهای حضرت فاطمه علیها السلام توجهی نکردند بلکه

برای ورود به خانه، درب خانه را آتش زدند. درب در آتش می سوخت و حضرت فاطمه علیها السلام پشت درب ایستاده بود و آن ها را نصیحت می کرد. ناگهان با لگد به در نیمه سوخته کوبیدند و حضرت فاطمه علیها السلام میان در نیمه سوز و دیوار قرار گرفت. آنجا بود که حضرت محسن که هنوز در شکم مادر بود به شهادت رسید و حضرت فاطمه علیها السلام نیز به شدّت مجروح شد و بعد از چند ماه بر اثر جراحات وارده به شهادت رسید.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹